

## تحلیل فقهی، حقوقی تأثیر ادله‌ی اثبات بر مجازات رجم در نظام کیفری ایران

فریده اکبرزاده<sup>۱</sup>، جهانبخش غدیری<sup>۲</sup>

نویسنده مسئول:  
فریده اکبرزاده

### چکیده

زنای محسنه، اگر به اثبات برسد، ممکن است به مجازات سنگسار منتهی شود. پیش‌بینی این‌گونه مجازات‌های سنگین، به دلیل جنبه بازدارندگی آن است؛ زیرا دامنه مقاصد مترقب بر زنا، به خصوص زنای محسنه، ابعاد مختلف زندگی دنیوی و اخروی، مادی و معنوی و فردی و اجتماعی انسان و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا روش تحقیق به صورت کتابخانه‌ای بوده که محقق به دنبال بررسی ادله اثبات رجم در فقه و حقوق هست تا روشن شود که تردید در مشروعيت رجم جایگاه فقهی ندارد. گرچه وجود برخی مصالح می‌تواند مانع اجرای آن شود ولی چنین مصلحتی باید قطعی باشد و افراد ذیصلاح آنرا تشخیص دهند که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است. نویسنده تلاش کرده تا با بررسی مبانی فقهی و حقوق رجم موضوع فوق را به صورت کاربردی مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده و با توجه به حساسیت اجرای رجم در جوامع بین‌المللی پس از نتیجه گیری موضوع چند پیشنهاد کاربردی را بیان کرده است.

**کلمات کلیدی:** رجم، حقوق، فقه، اجماع، سنگسار و زنا.

**مقدمه**

«رجم» یکی از مجازاتهای مقرر در قانون مجازات اسلامی و به معنای سنگسار کردن و در مورد یکی از جرایم مشمول حدود اعمال می شود. در قرآن هم حکم آن بیان نشده است. اما در ماده ۸۳ مجازات، زنای محسنه، حد رجم مقرر گردید که رجم از سال ۱۴۲۰ تصویب قانون حدود، وارد حقوق جزای ایران شده است (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۸۸).

رجم در لغت به معنای کشتن با سنگ است و در اصطلاح، نوعی مجازات حدی است که به موجب آن محکوم علیه سنگسار می شود.

در رجم نتیجه اجراء حدوث مرگ به طور قطع نیست بلکه ممکن است محکوم از گودال فرار کند؛ در این صورت چنانچه جرم با اقرار متهم اثبات شده باشد محکوم رها می شود و مرگ حادث نمی شود (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۲).

رجم با استفاده از روایات واردۀ از سیرۀ رسول گرامی اسلام (ص) و ائمه معصوم (ع) به اثبات رسیده است. ادله اثبات زنای محسنه اقرار مرتکب و بینه است. برای اجرای حد رجم گودالی حفر و محکوم، اگر مرد است تا کمر و اگر زن باشد، تا نزدیکی سینه در آن دفن می گردد. رجم را نمی توان با بی هوشی یا بی حس کردن محکوم و یا به صورت غیر علني و در خفا اجرا نمود، زیرا که درد کشیدن محکوم و علني بودن اجرا و لزوم شرکت دیگران برای اجراء مشاهده و عبرت گیری آنان، از خصوصیات رجم است. اجرای بی هوش نمودن محکوم و یا تبدیل رجم به قتل، موجب محرومیت وی از حق فرار می گردد.

روش اثبات زنا منحصر به دو روش است: شهادت شهود یا اقرار مجرم. پس از حصول شرایط ثبوتی زنای محسنه، اگر مرد یا زن متأهل برخوردار از همسر حلال و بیمانع، به گناه زنا آلوده شوند و در «فضایی کاملاً آزاد»، «چهار مرتبه»، «نزد حاکم» به این عمل خود «اقرار» کنند، یا «چهار شاهد عادل، عیناً این عمل زنا را با خصوصیات مشاهده کرده باشند» و در محضر حاکم شرع گواهی دهند، زنای محسنه اثبات می شود. با وجود همه شرایط سخت‌گیرانه درباره ثبوت و اثبات حکم سنگسار، وقتی با تمام این شرایط حکم سنگسار ثابت و صادر شد، شرایط اجرایی حکم سنگسار نبیز به گونه‌ای است که سیاست خاص اسلام را نشان می دهد که بهانه‌های مشروعی را برای اجرا نکردن کامل این حکم پیش‌بینی کرده است (زراعت، ۱۳۹۳).

در ماده ۲۲۵ قانون، مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ آمده است: حد زنا برای زانی محسن و زانیه محسنه رجم است. در صورت عدم امکان، اجرا رجم با پیشنهاد دادگاه صادر کننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد موجب اعدام زانی محسن و زانیه محسنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می باشد (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

قانونگذار در ماده ۲۲۵ قانون جدید صرحتاً آورده است که: حد زنا برای زانی محسن و زانیه محسنه رجم است. البته در ادامه این ماده تغییرات جدیدی را شاهد هستیم به این صورت که در صورت عدم امکان اجرای اجراء رجم با پیشنهاد دادگاه صادر کننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محسن و زانیه محسنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می باشد (همان: ۱۲۳).

بدین ترتیب:

۱- مجازات اصلی و اولیه زنای محسن و محسنه مانند قانون سابق رجم می باشد.

۲- ممکن است تحت شرایطی مجازات رجم قابل اجرا نباشد. به نظر می رسد منظور قانونگذار از این عبارت (عدم امکان اجرای رجم) تلطیف مقررات مربوط به مجازات رجم با توجه به استناد حقوق بشر و فشارهای بین المللی باشد. ضمن اینکه نظر برخی از فقهای معاصر در توصیه به عدم اجرای مجازات رجم در حالتی که موجب وهن اسلام است، مد نظر قانونگذار بوده است. در کل عبارت عدم امکان اجرا بسیار مبهم می باشد!

۳- ظاهرآ تشخیص عدم امکان اجرا ابتدائاً با قاضی صادر کننده حکم قطعی می باشد.

۴- درخواست عدم امکان اجرا بعد از تشخیص قاضی صادر کننده حکم قطعی، باید به رئیس قوه قضائیه ارسال و به موافقت ایشان برسد.

۵- پس از تائید عدم امکان اجرا توسط ریاست قوه قضائیه، چند حالت قبل بحث است:

الف - زنای محسن با اقرار ثابت شده باشد: در این حالت مجازات مرتکب (زانی یا زانیه) صد ضربه شلاق حدی خواهد بود (شامبیاتی، ۱۳۷۲: ۲۵۳).

ب - زنای محسن با بینه ثابت شده باشد. ظاهراً منظور از بینه مجموع شهادت‌های لازم برای اثبات جرم زنای محسنه می‌باشد که طبق ماده ۱۹۹ جدید شهادت ۴ مرد عادل یا شهادت ۳ مرد عادل به علاوه ۲ زن عادله می‌باشد. در این حالت مجازات زانی یا زانیه اعدام خواهد بود.

ج - زنای محسن با علم قاضی ثابت شده باشد : با توجه به منطق ماده ۲۲۵ در این خصوص نیز باید قائل به عدم اعدام و جاری شدن صد ضربه شلاق بر مرتكب شد.

۶- دلیل مجازات اعدام در بحث بینه مبانی فقهی موضوع می‌باشد که بعد از اثبات زنای محسن با شهادت شهود، امکان انکار یا فرار از گودال که موجب سقوط رجم می‌شود، وجود ندارد. و در هر حال باید از مرتكب به طریق رجم سلب حیات شود. برای همین قانونگذار نتیجه مجازات رجم در این حالت را که اعدام می‌باشد، به طریق دیگری غیر از رجم تجویز نموده است (شمس، ۱۳۸۸: ۱۶۶).

بدین ترتیب قانونگذار در قانون جدید اصل را بر اجرای مجازات رجم در مورد زنای محسن و محسنه قرار داده است که قاضی صادرکننده حکم قطعی تحت شرایطی مبهم می‌تواند با موافقت رئیس قوه قضائیه در شکل این مجازات تغییراتی به شرح موارد فوق ایجاد نماید.

این ماده به رغم اجماع فقهاء در لایحه قانونی، مجازات اسلامی وجود نداشت و حتی شورای نگهبان در قانون که در سال ۱۳۹۰ تأیید شد و برای انتشار در روزنامه رسمی به رئیس جمهور ابلاغ گردید ایراد بر این مسئله نگرفت اما زمانی که این قانون، از رئیس جمهور مسترد شد به آن، الحاق گردید. حذف سنگسار به عنوان مجازات زنا محسنه و حذف زنا محسنه به عنوان جرم از لایحه قانونی، مجازات اسلام که به تأیید شورای نگهبان رسید(همان: ۱۶۷).

در واقع ماده ناظر بر ارتباط نامشروع زن، و مرد متأهل با شخص ثالث به عنوان زنا محسنه را حذف و مجازات ناظر بر آن، یعنی سنگسار را نیز از چهارچوب قانون، مجازات اسلام حذف کرد باید اضافه کرد که در لایحه قانون، مجازات اسلام حدود ارتداد و رجم بیان، نشده اما صریحاً بیان شده است. چنانچه جرایمی که مستحق اجرا چنین حدود باشد اتفاق بیفتند مطابق اصل ۱۶۷ قانون، اساسی بیان عمل شود. بر اساس اصل ۱۶۷ قانون، اساسی قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدون ، بیاید و اگر نیاید با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم را صادر کند و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدون از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد(علیخانی، ۱۳۷۴: ۲۹۶).

بنابراین اگر جرمی رخ دهد که مستحق اجرا این حدود باشد از آنجا که در قانون جدید به این حدود اشاره نشده است طبق اصل ۱۶۷ قانون، اساسی قاضی باید به فتاوی مشهور مراجعه کند که در این قانون، به صراحة بیان، شده است که قاضی به فتاوی ولی فقیه مراجعه کند.

### ادله‌ی اثبات زنای مستوجب رجم در فقه و حقوق

اصولاً اثبات هر جرمی منوط به دلیل هست، اما در رسیدگی به مسایل کیفری و جمع آوری دلایل جرم، قاضی مأمور اجرای قوانین جزایی برخلاف قاضی مأمور رسیدگی به مسائل مدنی نقش فعالی در جمع آوری دلایل برای کشف حقیقت و اثبات جرم دارد ضمناً برای حفظ حقوق و آزادی متهمن و احترام به بی‌گناهی افراد، در صورتی که دلایل اتهام برای اثبات جرم کافی نباشد متهمن بایستی آزاد شود. از طرفی چون در حال حاضر سیستم جزایی دادرسی در ایران در مورد جمع آوری دلایل راجع به جرم، آمیزه‌ای از سیستم کیفری اسلام و حقوق موضوعه غیر اسلامی است زیرا از یک طرف به تعییت از سیستم دادرسی اسلامی جمع آوری دلایل راجع به جرایم به روش اتهامی و با استفاده از دلایل قانونی مانند «اقرار، بینه، قسامه» صورت می‌گیرد و در این روش قاضی در ارزیابی و سنجش این گونه دلایل برای اثبات جرم در صورت وجود آنها مکلف به صدور حکم هست و از طرفی دیگر با توجه به مقررات قانون آین دادرسی کیفری که قانونگذار اسلامی به دفعات در وضع مقررات مربوط به تشکیلات دادگاه و آین دادرسی مربوط به آن، از قبیل قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ رعایت مقررات قانون آین دادرسی کیفری را در کنار این گونه مصوبات لازم الرعایه کرده است: بدین لحاظ در حال حاضر سیستم دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران تنها مبتنی بر سیستم قانونی بودن دلایل نیست بلکه قاضی کیفری در رسیدگی خود در مواردی که دلایل قانونی در دست نباشد باید از سایر ادله مانند تحقیقات محلی، معاینات محلی، جلب نظر کارشناس و ... برای اثبات جرم زنا استفاده کند (ولیدی، ۱۳۷۱: ۱۰۷).

در این مبحث دلایل اثبات جرم زنای مستوجب رجم را از دیدگاه فقهی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

**گفتار اول: ادله‌ی اثبات زنا مستوجب رجم در فقه****بند اول: اقرار****۱- تعریف اقرار و کمیت و کیفیت آن**

از نظر فقهای شیعه اقرار به زنا در صورتی طریق اثبات است که مرتكب آن - زانی یا زانیه - چهار بار که به عمل کذا بی اقرار نماید و برخی از فقهای عظام علاوه بر اعتبار چهار مرتبه، گفته اند معتبر است «چهار جلسه باشد» اصل اعتبار تکرار اقرار در چهار دفعه مورد اتفاق فقهای شیعه هست و شرط تعدد مجلس اتفاقی نیست، از شیخ الطائفه و ابن حمزه اعتبار تعدد مجالس نقل شده و امام بزرگوار در تحریر الوسیله احتیاط مستحبی دارد.

اعتبار اقرار چهار مرتبه در روایات فرقین از حد استفاضه می‌گذرد مناسب است که خبر مربوط به ماعزین مالک را نقل کنیم از

سنن بیهقی در جواهر نقل می‌کند:

إِنْ مَاعِزِينَ مَالِكَ جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَى زَيْتَ، فَأَعْرَضَ عَنْهُ، ثُمَّ جَاءَ مِنْ شِيقَةَ الْأَيْمَنِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي قَدْ زَيَّتُ ثُمَّ جَاءَتِهِ فَقَالَ: إِنِّي قَدْ زَيَّتُ، قَالَ: ذَلِكَ أَرْبَعُ مَرَاتٍ، فَقَالَ: أَبِكَ جُنُونٌ؟ قَالَ: لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: فَهَلْ أَحْصَنْتَ؟ قَالَ: نَعَمْ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذْهَبُوا بِهِ فَارْجُمُوهُ وَرُوَى أَنَّهُ قَالَ: لَعَلَّكُمْ قَبَلْتُمْ أَوْ غَمَرْتُمْ، أَوْ نَظَرْتُمْ قَالَ: لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: أَنْكَتَهَا لَا تُنكِنْ؟ قَالَ: نَعَمْ كَمَا يَغْيِبُ الْمَرْوَدُ فِي الْمَكْحُلَةِ وَالرَّشَا فِي الْبَيْرِ، قَالَ: فَهَلْ تَدْرِي مَا الزَّنَا؟ قَالَ: نَعَمْ أَتَيْتُ مِنْهَا حَرَاماً كَمَا يَأْتِي الرَّجُلُ مِنْ إِمْرَأَتِهِ حَلَالاً، قَالَ: مَا تَرِيدُ بِهَذَا الْقَوْلِ؟ قَالَ: «أَرِيدُ أَنْ تُطْهِرَنِي، فَأَمْرَرَ بِهِ فَرْجِهِ»  
سبزواری، ۱۳۶۲: ۸۸).

ترجمه: «ماعزین مالک خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آل‌ه رسید، عرض کرد. یا رسول الله، من زنا کرده ام. پیغمبر اکرم از وی روی برگرداندن، سپس از جانب راست پیغمبر آمد و عرض کرد من زنا انجام داده ام، پیغمبر گرامی رو برگرداندن سپس آمد و عرض کرد: زنا کرده ام، دیگر بار آمد، عرض کرد زنا کرده ام، رسول الله فرمودند: این چهار بار است، آیا جنون داری؟ عرض کرد: نه، یا رسول الله فرمودند: همسر داری؟ عرض کرد:بلی، آن گاه رسول الله صلی الله علیه و آل‌ه فرمودند: که او ببرند و رجمش کنند و روایت شده که آن حضرت به وی فرمودند: گویا بوسیده ای، و یا لمس کرده ای، و یا فشار داده ای، و یا نگاه کرده ای؟ عرض کرد: نه یا رسول الله، فرمودند: دخولش کرده ای کنایه نمی‌گویی؟ عرض کرد: بلی، به حرام از آن چنان که میل در سرمه دان و ریسمان در چاه پنهان می‌گردد فرمودند: یا میدانی زنا چیست؟ عرض کرد: بلی، با این گفتار چه مقصد داری؟ عرض زن کام گرفتم آن چنان کامی که مرد از طریق حلال از همسرش می‌گیرد، فرمودند: با این گفتار چه مقصود داری؟ تقریباً کردم: قصد این است که تطهیرم فرمایی. پس فرمان دادند و رجمش نمودند». تعبیر رسول الله از «ذلک اربع مرات» تقریباً صراحت دارد در اعتبار چهار مرتبه اقرار در ثبوت زنا و فهمیدن تعدد مجالس اقرار مشکل است. بر مبنای اعتبار چهار مرتبه اقرار در ثبوت زنا، چنان چه کمتر از چهار مرتبه اقرار کنید کیفر حد ثابت نمی‌شود ولی مستوجب تعزیر است زیرا عموم «اقرار العقلاء على انفسهم جائز» یعنی: «اقرار عقلاء بر ضررshan نافذ است» شامل چنین شخصی می‌گردد چه آن که با اقرار وی معصیت ثابت است این که مستوجب کیفر شرعی زنا نیست به خاطر اجماع و اخبار است که اقرار کمتر از چهار بار را موجب حد ندانسته اند به هر حال با اقرار کمتر از چهار بار فسق و معصیت او ثابت و مستحق تعزیر است ممکن هست اشکال شود که بر ثبوت تعزیر، نص و اجتماعی نداریم لذا ثبوت تعزیر مورد تردید است و اصل برائت اقتضاء عدم ثبوت تعزیر دارد و ظاهراً تردید مرحوم اردبیلی و اصبهانی مستند به اصل برائت مذکور است و حتی مرحوم اردبیلی متایل به عدم ثبوت تعزیر است. چنان که امام بزرگوار نیز در تحریر بر این عقیده است(محمدی گیلانی، ۱۳۶۱: ۳۸).

**۲- شرایط مقر**

یکی از طریق اثبات زنا اقرار مرتكب زنا است، در صورتی اقرار می‌تواند موجب ثبوت زنا شود که مقر شروط معتبره زیر را واحد باشد، و گرنه اقرارش بلا اثر است:

۱- این که مقر بالغ باشد.

۲- عاقل باشد.

۳- حر و آزاد باشد بنابراین اقرار غیر بالغ و دیوانه اعتباری ندارد.

۴- این که اقرار کننده با اختیار اقرار نماید پس اگر اقرارش از روی اکراه باشد بلا اثر است و در اعتبار این شرط نیز خلاف و اشکالی نیست بین اعلام؛ و از امیرالمؤمنین علیه السلام نیز روایت شده:

«مَنْ أَقْرَأَ عِنْدَ تَجْرِيدٍ أَوْ حِبسٍ أَوْ تَخْوِيفٍ أَوْ تَهْدِيدٍ فَلَا خَدَّ عَلَيْهِ»(حر عاملی ، ۱۳۹۱: ۱۳۳).

ترجمه: «کسی که به واسطه‌ی سلاح عربان یا حبس، یا ترسانیدن و تهدید اقرار کند، کیفری بر وی نیست».

۵- از نظر فقهای شیعه، اقرار به زنا در صورتی طریق اثبات است که مرتکب آن زانی یا زانیه چهار بار به عمل کذابی اقرار نماید شهید اول هم در مورد اوصاف مقرّ معتقد هست که زنا با چهار بار اقرار ثابت می شود مشروط بر آن که مقر کامل باشد یعنی بالغ، عاقل و با اختیار باشد و آزاد باشد و یا مولا او را در آن چه بدان اقرار کرده است تصدیق کند. چون تنها مانع نافذ بودن اقرار بندۀ به زنا آن هست که اقرار او اقرار در حق مولايش باشد.

### ۳- انکار بعد از اقرار

چنانچه متهم اقرار به زنای موجب سنگسار کند و بعد از تمام شدن اقرار به حد نصاب، آن را انکار نماید، سنگسار نمی شود و انکار وی در این مورد موجب سقوط رجم است و دلیل مسئله را اجماع گرفته اند ولی ظاهراً این اجماع، مستند به اخبار مستفیضه در مسئله است که از آن جمله بیان امام صادق علیه السلام در خبر محمدبن مسلم است: «مَنْ أَقَرَ عَلَى نَفْسِهِ أَقْمَتْهُ عَلَيْهِ، إِلَّا الرَّجْمُ فَإِنَّهُ إِذَا أَقَرَ عَلَى نَفْسِهِ ثُمَّ جَعَدَ لَمْ يُرْجَمُ». ترجمه: «کسی که اقرار به حدی علیه خود نماید آن حد را بر وی اقامه می کنم مگر اقرار به رجم که اگر کسی اقرار به موجب رجم نماید و سپس انکار کند رجم نمی شود»(حرعاملی، ۱۳۹۱: ۱۱۶).

آیا اقرار به عملی که موجب قتل است - مثل زنای با محارم و سپس انکار کند، می توان چنین فرضی را به حکم رجم الحق نمود و فتوی به سقوط حد قتل داد یا نه؟ نظر امام خمینی رحمة الله عليه در این مورد چنین هست «چنانچه کسی به عملی که موجب رجم هست اقرار کند سپس انکار نماید، رجم از او ساقط است، و اگر به چیزی که کفر رجم ندارد اقرار کند با انکار کیفر غیر رجم ساقط نمی شود و احتیاط این است که اقرار به موجب قتل به موجب رجم الحق شود، پس اگر به عملی که کیفر آن قتل است اقرار کند سپس منکر شود محاکوم به قتل نخواهد بود». چنان چه در متن فوق آمده در کلام امام (ره) اقرار به عملی که موجب رجم نیست، با انکار، کیفر چنین عملی ساقط نمی شود، این فتوا مشهور است و مطابق قاعده‌ی: «عدم سمع انکار بعد از اقرار» است. محقق حلی (ره) در این مورد بیان داشته است که اگر اقرار به امری کند که موجب رجم است و سپس آن را انکار نماید، رجم ساقط است ولی اگر اقرار به حدی غیر از رجم کند و سپس انکار نماید، حد ساقط نمی شود. در میانی تکمله‌منهاج بیان گردیده: «لواقد شخص بما یوجب رجم، ثم انکر؛ سقط عنه الرجم دون الحد، ولو اقر بما یوجب الحد غیر الرجم، ثم انکر لم یسقط»، (خوئی، ۱۴۰۶، ص ۲۱۴).

يعنى: «اگر شخصی اقرار کند به آنچه را که موجب رجم است و سپس انکار نماید رجم از او ساقط می شود نه حد دیگری، و اگر اقرار کند به آن چه را که موجب حدی غیر از رجم است، سپس آن را انکار نماید، از او ساقط نمی شود»(همان: ۲۱۵).

### ۴- توبه‌ی بعد از اقرار

چنان چه متهم اقرار به حدی از حدود نماید و پس از اقرار توبه کند امام مخیر است بین اجرای حد و بین عفو و در حد فرقی بین تازیانه و سنگسار نیست و دلیل مسئله را اجماع دانسته اند ولی ظاهراً مدرک اجماع مذکور روایاتی است که مورد عمل و افتاء واقع شده از آن جمله خبری است که نقل می شود: جَاءَ رَجُلٌ إِلَيْهِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَقَرَّ بِالسُّرْرَةِ فَقَالَ: أَقْرَأْ شَيْئًا مِنَ الْقُرْآنِ؟ قَالَ: نَعَمْ سُورَةُ الْبَقَرَةِ، قَالَ: وَهَبْتُ يَدِكَ لِسُورَةِ الْبَقَرَةِ، فَقَالَ الْأَشْعَثُ: أَتُعَطِّلُ حَدًّا مِنْ حُدُودِ اللَّهِ؟ فَقَالَ: مَا يُدْرِيكَ يَا هَذَا إِذَا قَامَتِ الْبَيْتَةُ فَلَيْسَ لِإِلَمَاءِ إِنْ يَعْفُو، وَإِذَا أَقَرَ الرَّجُلُ عَلَى نَفْسِهِ، فَذَاكَ إِلَى الْإِمَامِ إِنْ شَاءَ عَفَا وَإِنْ شَاءَ قَطَعَ».

ترجمه: «مردی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسید و اقرار به دزدی کرد، امام فرمودند: آیا چیزی از قرآن را می توانی قرائت کنی؟ عرض کرد: بله، سوره‌ی بقره را، فرمودند: دست را به سوره‌ی بقره بخشیدم. اشعث عرض کرد: آیا حدی از حدود خدا را تعطیل می کنی؟ فرمودند: تو چه می دانی وقتی که بینه برب حدی اقامه شد، امام اختیار بخشش را ندارد، ولی اگر با اقرار به ثبوت رسید امام مخیر است بخواهد می بخشد و بخواهد قطع می کند»(مصری، ۱۴۱۵، آق: ۲۲۹).

نظر صاحب شرایع الاسلام در این مورد این است که اگر مقر به حدی اقرار کند و سپس توبه نماید امام مخیر است در اقامه‌ی حد اعم از این که رجم باشد یا جلد. نظر امام خمینی (ره) در این مورد هم قابل توجه است که می فرمایند: «اگر اقرار به حدی کند و سپس توبه کند امام علیه السلام حق دارد که او را عفو کند و همچنان که حق دارد حد را بر او جاری کند اعم از این که حدش سنگسار باشد یا غیر از آن». (امام خمینی (ره)، همان، ص ۴۶۰). در میانی تکمله‌منهاج نیز آمده است: «لواقد بما یوجب الحد رجم او حد کان للامام (ع) العفو و عدم اقامه الحد علیه و قیده المشهور بما اذا تاب المقر و دلیله غیر ظاهر» بدین معنا که اگر اقرار کند به آن چه که موجب حد رجم یا جلد است امام می تواند او را عفو کند و بر او حد اقامه نکند مشهور گفته اند مقصود وقتی است که مقر توبه کند و گفته است که دلیل آن غیر ظاهر است. شهید ثانی در این مورد می فرمایند: هرگاه توبه حتمیت کیفر شدید مقر را ساقط می کند به طریق اولی حتمیت کیفر خفیف تر را ساقط خواهد کرد.

**بند دوم: شهادت شهود**

یکی از ادله‌ی اثبات زنای مستوجب رجم گواهی یا شهادت شهود می‌باشد. در قلمرو امور کیفری کسی که از وقوع جرم و اوضاع و احوال مربوط به آن خبر می‌دهد گواه نامیده می‌شود می‌توان گفت: «شهادت نوعی تکلیف هست با ضمانت اجرای گناه کبیره و حرمت عدم انجام آن» (گلدویان، ۱۳۸۴: ص ۳۴۶).

شهادت بر دو گونه هست. شهادت یا عینی هست و یا سمعی، در صورتی که اطلاع از جرم به وسیله‌ی حس بینایی باشد خبر دهنده را شاهد عینی می‌نامند، در صورتی که به وسیله‌ی حس شنوابی باشد او را شاهد سمعی می‌گویند و شهادتی که در اینجا مورد بحث است، شهادت عینی است نه سمعی که در ادامه به بررسی شرایط آن پرداخته خواهد شد.

**۱- کمیت و کیفیت شهادت**

فقهای اسلام یکی از ادله‌ی اثبات زنای مستوجب کیفر رجم را شهادت می‌دانند که برای شهود و نحوه و کمیت و کیفیت آن ها، شرایطی ذکر کرده اند که به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود. فقهای اسلام اعم از شیعه و سنی معتقدند که زنا با شهادت چهار مرد واحد شرایط شهادت به ثبوت می‌رسد و دلیل معتبر آنها آیه‌ی پاتزدهم سوره‌ی مبارکه‌ی نساء هست که می‌فرماید:

«وَاللَّاتِي يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مِنِ إِسْكَانِهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ» ترجمه: «از زناتان آنها یکی که مرتكب عمل شنیع زنا می‌شوند برای ثبوت آن، لازم است چهار مرد از شما متصدی شهادت و گواهی بر آنان شوند» پس طبق آیه اثبات زنا با شهادت چهار مرد لازم است که اگر سه نفر باشند زنا ثابت نمی‌شود و آن سه نفر حد قذف بخورند که هشتاد تازیانه است. بلی اگر خود زن اقرار به زنا کرد باید چهار مرتبه اقرار کند تا زنا ثابت شود که اگر سه مرتبه اقرار کرد زنا ثابت نمی‌شود «فَاسْتَشَهِدُوْا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ» پس به حکم شریعت اسلام طلب گواهی کنید بر فعل ایشان چهار مرد عاقل و بالغ و عادلی را که از جمله مؤمنان باشند تا بر عمل باید رجم بشود) میر خانی، ۱۳۷۰، ص ۱۸۹ و ۱۸۸.

طبق فتوای مشهور فقهای شیعه که مستند به روایات ائمه‌ی اهل بیت علیهم السلام است، زنا با گواهی سه مرد و دو زن نیز ثابت می‌شود علیهذا کیفر زنا چه تازیانه چه سنگسار چنانچه با گواهی چهار مرد به ثبوت می‌رسد با گواهی سه مرد و دو زن نیز ثابت می‌گردد، و روایات مورد استناد مشهور بالغ بر حد استفاضه است. حلیبی در خبر صحیح از امام صادق علیه السلام می‌گوید: سائله عن شهادة النساء في الرجم، فقال: إذا كان ثلاثة رجالاً و امرأة، وإذا كان ثلاثة رجالاً و امرأة نسوة لم تجز في الرجم» (حرعاملی، ۱۳۹۱: ۲۲۳).

ترجمه: «از امام صادق علیه السلام درباره‌ی شهادت زنان در کیفر رجم پرسیدم فرمودند: در صورتی که سه مرد و دو زن باشند، ولی اگر دو مرد و چهار زن باشند در رجم کافی نیست». محمدبن فضیل به امام رضا علیه السلام عرض کرد: «تجوز شهادة النساء - إلى أن قال إمام عليه السلام في خوابه - تجوز شهادتهن في حد الزنا إذ كان ثلاثة رجالاً و امرأة، ولا تجوز شهادة رجالين و اربع نسوة في الزنا والرجم»

ترجمه: «آیا شهادت زنان نافذ است - خبر طولانی است تا آنجایی که امام علیه السلام در پاسخ وی فرموده: گواهی زنان نافذ هست در حد زنا در صورتی که سه مرد و دو زن باشند و گواهی دو مرد و چهار زن در زنا و رجم نافذ نیست».

محقق حلی (ره) در شرابع، شهادت چهار مرد را در اثبات زنا کافی می‌داند یا شهادت سه مرد و دو زن و معتقد هست که شهادت زنان به تنها یک قابل پذیرش نیست و شهادت دو مرد و چهار زن فقط جلد را ثابت می‌کند نه رجم و اگر کمتر از چهار نفر شهادت بدنهند حد واجب نمی‌شود و هر کدام نیز حد می‌خورند(حلی، ۱۴۱۹: ۲۹۹).

شهید ثانی در خصوص شهادت و کمیت و کیفیت آن می‌فرمایند: که نصاب معتبر در شهادت بر زنا عبارت است از چهار مرد یا سه مرد و دو زن یا دو مرد و چهار زن، اگر چه در صورت اخیر تنها تازیانه ثابت می‌شود نه سنگسار؛ و اگر شهود کمتر از حد نصاب معتبر باشد تازیانه می‌خورند به خاطر دروغ بزرگ زیرا خداوند متعال کسی را که نسبت زنا به مسلمانی داده و در عین حال شهود لازم را برای اثبات زنا نیاورده است دروغگو خوانده است و شهود باید زنا را مشاهده کنند (همچون داخل کردن میل در سرمه دان) و همچنین شرط است که شهود هنگام اقامه‌ی شهادت جمع باشند و یکباره شهادت دهنند. در خاتمه بحث مربوطه، به نظر امام خمینی (ره) در این مورد هم اشاره می‌کنیم. نظر امام (ره) مبنی بر این بود که: «آن چه را که در زنا معتبر هست آن هست که شهود کمتر از چهار نفر مرد و یا سه نفر مرد و دو زن نباشد در غیر این صورت خود شهود باید حد بخورند در مورد کیفیت شهادت آمده است که شهود باید تصریح کنند بر این که ما دیدیم که آلت این مرد آن طوری که میل در سرمه دان می‌رود به داخل فرج این زن می‌رفت یا بیرون می‌آمد بدون این که بین آنها عقدی بسته شده باشد و یا کسی او را بر این کار اکراه کرده باشد یا شبهه‌ای در میان باشد و در مسئله‌ی یازدهم تحریرالوسلیه بیان داشته اند که شهادت بر وقوع زنا به مثل میل در سرمه دان به طور مطلق یعنی بدون ذکر زمان و مکان و خصوصیات دیگر کافی است ولی

خود شهود به ذکر خصوصیات پرداختند اگر اختلافی در ذکر خصوصیات نباشد مسئله ندارد اما اگر اختلاف باشد در ذکر خصوصیات، شهادتشان پذیرفته نیست و حدی جاری نمی شود و خود شهود حد قذف می خورند» (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۹، ص ۴۶۲ و ۴۶۱).

در نهایت اینکه فقهای امامیه در نصاب لازم جهت اقامه‌ی بینه‌ی می توان گفت اتفاق نظر دارد.

## ۲- علت عدم تساوی تعداد گواه زن نسبت به مرد

در فقه، حقوقی که با شهادت اثبات می شوند به دسته های ذیل تقسیم می شوند. بعضی از حقوق با شهادت چهار مرد ثابت می شود و آنها عبارتند از: زنا، لواط، سحق و در زنایی که موجب سنگسار کردن می شود. شهادت سه مرد و دو زن و در زنای موجب تازیانه، شهادت دو مرد و چهار زن کفايت می کند و بعضی از حقوق به وسیله‌ی شهادت دو مرد ثابت می شود که عبارتند از: مرتد شدن، قذف، شرابخواری، حد سرفت، زکات، خمس، نذر و کفاره، اسلام، بلوغ، ولاد، تعديل، جرح شاهد، عفو کردن از قصاص، طلاق، وکالت، وصیت به شخص، نسب و هلال و پاره‌ای از حقوق به وسیله‌ی شهادت دو مرد و یک مرد و دو زن و یا شاهد همراه با قسم ثابت می شود مانند دیون، اموال و جنایاتی که موجب دیه می شود. برخی از حقوق هم با شهادت مردان و هم با شهادت زنان - ثابت می شود مانند ولادت، گریه‌ی اول بچه و زنده به دنیا آمدن فرزند و عیب‌های باطنی زنان (که مانع آمیزش است)، شیردادن و وصیت به اموال و برخی از حقوق با شهادت زنان همراه با شهادت مردان ثابت می شوند که عبارتند از: دیون و اموال (شهید اول، ترجمه شیروانی و غرویان، ص ۱۹۱ و ۱۹۰). با توجه به این دسته بندي‌ها شهادت زنان به جز در حد زنا پذیرفته نمی شود و در سایر موارد شهادت زنان یا به تنها یا به همراه مردان پذیرفته می شود علت عدم پذیرش شهادت زنان در حدود (به جز حد زنا) این است که شارع مقدس اهتمام خاصی را به موضوع حدود و قصاص دارد و شرایط سختی را برای اثبات آنها پیش بینی کرده است زیرا در این موارد موضوع خون و جان مردم مطرح است و کوچکترین اشتباهی در این زمینه قابل پذیرش نیست همچنین با توجه به قاعده‌ی «درء» در هر کجا که احتمال خطا و اشتباه وجود داشته باشد به عبارت دیگر محل شبهه باشد حکم به سقوط حد و قصاص می شود و از طرفی امکان خطا و شهادت آنها را برای اثبات حد و قصاص که با انکه شبهه‌ای حکم به سقوط آنها داده می شود مورد پذیرش قرار داد و پذیرش آنها خلاف قاعده‌ی «درء» است (سرخسی، ۱۴۰۶: ۱۱۹).

## ادله‌ی اثبات زنای مستوجب رجم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

در خصوص موضوع رجم قانونگذار در چند موارد اشاره‌هایی به رجم نموده که ابتدا به بیان آن مواد خواهیم پرداخت:  
ماده ۱۳۲- در جرائم موجب حد، تعدد جرم، موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرائم ارتکابی و نیز مجازات آنها یکسان باشد.

تبصره ۱- چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجراء می شود.

تبصره ۲- چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجراء می شود؛ مانند تفحیذ در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجراء می شود.

تبصره ۳- اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مرتکب زنا شوند، چنانچه مجازات اعدام و جلد یا رجم و جلد ثابت باشد، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجراء می شود.

تبصره ۴- چنانچه قذف، نسبت به دو یا چند نفر باشد، دو یا چند مجازات اجراء می گردد.

ماده ۱۷۳- انکار بعد از اقرار موجب سقوط مجازات نیست به جز در اقرار به جرمیکه مجازات آن موجب رجم یا حد قتل است که در این صورت در هر مرحله، ولو در حین اجراء، مجازات مجبور ساقط و به جای آن در زنا و لواط صد ضربه شلاق و در غیر آنها حبس تعزیری درجه پنج ثابت می گردد.

ماده ۲۲۵- حد زنا برای زانی محسن و زانیه محسنه رجم است. در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه حرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محسن و زانیه محسنه است و در غیر اینصورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می باشد.

ماده ۲۲۶- احصان در هریک از مرد و زن به نحو زیر محقق می شود:

الف- احصان مرد عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قُبل با وی در حال بلوغ جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع از طریق قُبل را با وی داشته باشد.

ب - احصان زن عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده، با او از طریق قُبْل جماع کرده باشد و امکان جماع از طریق قُبْل را با شوهر داشته باشد.

ماده ۲۲۷- اموری از قبیل مسافت، حبس، حیض، نفاس، بیماری مانع از مقارت است. بیماری که موجب خطر برای طرف مقابل می‌گردد مانند ایدز و سفلیس، زوجین را از احصان خارج می‌کند.

بر خلاف تصور برخی مجازات رجم از قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ حدف نشده است. قانونگذار در ماده ۲۲۵ قانون جدید صراحتاً آورده است که : حد زنا برای زانی محسن و زانیه محسنه رجم است. البته در ادامه این ماده تغییرات جدیدی را شاهد هستیم به این صورت که در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضاییه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محسن و زانیه محسنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد.

بدین ترتیب (ولیدی، ۱۳۷۱: ۲۶۰)

۱- مجازات اصلی و اولیه زنای محسن و محسنه مانند قانون سابق (مصوب ۱۳۷۰) رجم می‌باشد.

۲- ممکن است تحت شرایطی مجازات رجم قبل اجرا نباشد. به نظر می‌رسد منظور قانونگذار از این عبارت (عدم امکان اجرای رجم) تلطیف مقررات مربوط به مجازات رجم با توجه به اسناد حقوق بشر و فشارهای بین المللی باشد. ضمن اینکه نظر برخی از فقهای معاصر در توصیه به عدم اجرای مجازات رجم در حالتی که موجب وهن اسلام است، مد نظر قانونگذار بوده است. در کل عبارت عدم امکان اجرا بسیار مبهم می‌باشد!

۳- ظاهراً تشخیص عدم امکان اجرا ابتدائاً با قاضی صادرکننده حکم قطعی می‌باشد.

۴- درخواست عدم امکان اجرا بعد از تشخیص قاضی صادرکننده حکم قطعی، باید به رئیس قوه قضاییه ارسال و به موافقت ایشان برسد.

۵- پس از تأیید عدم امکان اجرا توسط ریاست قوه قضاییه، چند حالت قابل بحث است:

الف - زنای محسن با اقرار ثابت شده باشد: در این حالت مجازات مرتكب (زنای یا زانیه) صد ضربه شلاق حدی خواهد بود.

ب - زنای محسن با بینه ثابت شده باشد. ظاهراً منظور از بینه مجموع شهادت‌های لازم برای اثبات جرم زنای محسنه می‌باشد که طبق ماده ۱۹۹ جدید شهادت ۴ مرد عادل یا شهادت ۳ مرد عادل به علاوه ۲ زن عادله می‌باشد. در این حالت مجازات زانی یا زانیه اعدام خواهد بود.

ج - زنای محسن با علم قاضی ثابت شده باشد: با توجه به منطق ماده ۲۲۵ در این خصوص نیز باید قائل به عدم اعدام و جاری شدن صد ضربه شلاق بر مرتكب شد.

۶- دلیل مجازات اعدام در بحث بینه مبانی فقهی موضوع می‌باشد که بعد از اثبات زنای محسن با شهادت شهود، امکان انکار یا فرار از گودال که موجب سقوط رجم می‌شود، وجود ندارد. و در هر حال باید از مرتكب به طریق رجم سلب حیات شود. برای همین قانونگذار نتیجه مجازات رجم در این حالت را که اعدام می‌باشد، به طریق دیگری غیر از رجم تجویز نموده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۵۴).

بدین ترتیب قانونگذار در قانون جدید اصل را بر اجرای مجازات رجم در مورد زنای محسن و محسنه قرار داده است که قاضی صادرکننده حکم قطعی تحت شرایطی مبهم می‌تواند با موافقت رئیس قوه قضاییه در شکل این مجازات تغییراتی به شرح موارد فوق ایجاد نماید.

#### بند اول: نظر مراجع معظم در خصوص تغییر در قانون جدید:

- آیت الله العظمی نوری همدانی: «در فرض سوال، همانطور که قبله جواب داده ایم حکم الهی تغییرپذیر نیست و کیفیت اجرای آن بستگی به نظر حاکم شرع دارد.»

- آیت الله العظمی مکارم شیرازی: «ما قبلانیز گفته ایم که در شرایط فعلی می‌توان جایگزین کرد.»

- آیت الله العظمی جعفر سبحانی: «اگر حاکم شرع احساس کرد اجرای حکم به این شیوه مشکلاتی دارد می‌تواند به نحو دیگری اجرای حد کند. والله العالم.»

- آیت الله العظمی موسوی اردبیلی: «مازادات رجم قابل تغییر نیست ولی چنانچه اجرای آن برخلاف مصالح اسلام و مسلمین باشد فقهی جامع الشرایط می‌تواند حکم به عدم اجرای آن بدهد.»

- آیت الله العظمی علوی گرانی: «در صورتی که حاکم شرع تشخیص دهد که اجرای این حکم موجب وهن اسلام و بی احترامی به آن است و موجب ضرر به اصل دین است می‌تواند آن را تغییر دهد اما اصل حکم سنگسار در فقه اسلام ثابت است، حتی اگر به طور صریح در قرآن ذکر نشده باشد و اصل این حکم تغییرنپذیر است.

**بند دوم: برخی دیدگاه‌های مخالف**

البته به اعتقاد برخی صاحب نظران متأخر دینی در دوران اخیر «الف» و «لام» واردہ بر سرمهبذا (الزانی و الزانیه) موجب افاده حصر می شود و تخصیص بردار نیست. یعنی کیفر زنا در قرآن فقط ۱۰۰ تازیانه است و با حکم دیگری تخصیص نمی خورد و اگر قانونگذار می خواهد کیفری را در قرآن بیان کند که عمدۀ قوانین ما هست، نمی آید کیفر ضعیف تر را اول بیان کند و بعد باستن مسئله رجم را بگوید. این مسئله به اعتقاد قائلین به این رأی مستبعد و مستهجن است که بنای عقلا آن را نمی پذیرد. (موسوی بجنوردی، روزنامه شرق، ۷ مرداد ۸۶) بعضی از مخالفین دیگر اختصاص آیه ۲ سوره نور به افراد غیرمحصن، که قائل به عمومیت مجازات ۱۰۰ تازیانه برای زناکاران اعم از محصن و غیرمحصن اند، در تأیید نظر خود به ۲ آیه ۳۰ سوره احزاب و ۲۵ سوره نساء استناد میکنند که مجازات زنای افراد مورد نظر که محضنه اند ۲ برابر و نصف حد محضنه آزاد دانسته شده و این زمانی موضوعیت دارد که میزان مجازات، ۱۰۰ تازیانه باشد که دو برابر و نصف آن مشخص است؛ والا در مورد رجم که نمیتوان آن را دو برابر یا نصف کرد (جعی عاملی، ۱۳۸۷: ۱۲۴).

اول: یا نساء النبی من یات منکن بفاحشه مبینه فضاعف لها العذاب ضعفین و کان ذلك علی الله یسيرا (احزاب، ۳۰) ای همسران پیامبر هر که از شما مرتکب گناه آشکار شود، مجازات اودوچندان خواهد بود. این بر خدا آسان است. گفته می شود منظور از فاحشه مبینه، زنا است.

دوم: فاذا احصن فان اتین بفاحشه فعلیهن نصف ما على المحسنات من العذاب ذلك لمنخشی العنت منكم و ان تصبروا خیر لكم والله غفور رحيم (نساء، ۲۵) ...اگر آن زنان (اسیران جنگی) در حصار ازدواج قرار گرفتند و مرتکب بیشتر می شدند، مستوجب نصف کیفر زنان آزاد هستند. به این ترتیب اگر واحد مجازات مشخص نباشد، دو برابر و نصف بودن بی معنا و لغو است و البته کار لغو از خدای تعالی نشاید.

**مبحث سوم: موانع اجرای رجم****گفتار اول: موانع موجب تأخیر اجرای رجم**

گاهی اوقات پس از ثبوت جرم با طرق شرعی و صدور حکم قانونی، موارد یا موانعی موجب می شود که اجرای حکم محکومیت به رجم برای مدت موقت و فراهم شدن شرایط اجرا، به تأخیر بیفت. این موارد و موانع عبارتند از:

**بند اول: موانع مخصوص زنان (بارداری، نفاس و شیردهی محکوم)**

«بر زن حامله حد جاری نمی شود تا اینکه وضع حمل نموده و از نفاس خارج شود و بچه اش را شیر دهد و به وضعیتی برسد که اتفاقی برای او نیفتند و اگر کفیلی برای او پیدا شود، اجرای حد جایز است.»

از امام صادق (ع) در خصوص رجم زن حامله سؤال شد که آن حضرت در جواب فرمودند: «صبر کنند تا آنچه که در شکم دارد، وضع نماید و فرزندش را شیر بدده آنگاه رجمش نمایند» (نجفی، ۱۳۶۵: ۲۰۹).

حتی اگر احتمال حاملگی زن هم داده شود، در این صورت هم رجم اجرا نخواهد شد. یعنی اگر زنی علامت حاملگی در او ظاهر نشده باشد، ولی او ادعای حاملگی داشته باشد، این ادعای او مورد قبول واقع شده و رجم به تأخیر می افتد (هندي، ۱۴۲۴: ۱۳۹).

در وسائل الشیعه در خصوص اجرای حد بر بیمار و زن باردار آمده است: «اگر مجرم بیمار است تا زمان بھبودیش اجرای حد به تأخیر می افتد» (حر عاملی، ۱۳۹۱: ۱۵۶).

و در جای دیگر در خصوص رجم زن حامله حدیث امام صادق (ع) ذکر گردید (همان: ۱۵۷).

اگر باردار است، تا زمان وضع حمل و بعد از آن تا زمان شیرخواری کامل کودک به تأخیر می افتد.

ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مطابق با این نظر فقهی تدوین شده و مقرر می دارد: «در ایام بارداری و نفاس زن، حد قتل یا رجم بر او جاری نمی شود، همچنین بعد از وضع حمل در صورتی که نوزاد کفیل نداشته باشد و بیم تلف شدن نوزاد برود، حد جاری نمی شود، ولی اگر برای نوزاد کفیل پیدا شود، حد جاری می گردد.»

**بند دوم: اجتماع حد جلد با حد رجم**

اجرای حدی از حدود الهی نباید زمینه‌ی اجرای حدی دیگر را از بین ببرد. اگر کسی به حد تازیانه و رجم محکوم شود، نباید ابتدا رجم را جاری ساخت، چون که زمینه‌ی اجرای تازیانه را از بین می‌برد و به همین لحاظ تا زمان اجرای حد تازیانه، اجرای رجم به تا خیر خواهد افتاد. صاحب جواهر و شرایع اسلام در این خصوص می‌فرمایند: «اگر چند حد با هم جمع گردند، اول حدی اجرا می‌شود که زمینه‌ی اجرا حد دیگر را از بین نبرد» (نجفی، ۱۳۶۵: ۱۲۳).

در تحریر الوسیله هم شبیه همین نظر آمده است. علاوه بر آن، پس از اجرای جلد هم نظر برخی از فقهاء مانند صاحب جواهر این تردید را نموده اند که نباید بلافاصله رجم را اجرا نمود و دلیلشان نیز نحوه‌ی اجرای حدود الهی توسط حضرت امیر (ع) می‌باشد که شراحه را روز پنجم شنبه تازیانه زده و روز جمعه رجمش نمود. حتی در مختلف الشیعه نیز از قول ابوالصلاح آمده است: «مهلت دهند تا آثار تازیانه از بین برود و بعد او را رجم نمایند تا بمیرد» (حلی، ۱۳۷۶: ۱۶۵).

در مختلف الشیعه هم این نظر ذکر شده که «یعنی پس از اجرای تازیانه باید او را رها سازند تا جای تازیانه بر طرف شود و بعد از آن رجم را اجرا نمایند» (همان: ۱۶۷).

قانون مجازات اسلامی هم به این موضوع توجه و در ماده ۹۸ مقرر داشته است: «هر گاه شخصی محکوم به چند حد شود، اجرای آن‌ها باید به ترتیبی باشد که هیچ کدام از آن‌ها زمینه دیگری را از بین نبرد، بنابراین اگر کسی به جلد و رجم محکوم شود، اول باید حد جلد و بعد حد رجم را جاری ساخت.

گرچه ای ن ماده‌ی قانونی میزان تأخیر را بیان نکرده است، اما همینکه تا قبل از اجرای حد جلد، اجازه‌ی اجرای رجم را نداده است، خود گویای جواز تأخیر اجرای رجم می‌باشد. فردی که به حد جلد و رجم محکوم شده، ممکن است حکم رجم او به مرحله‌ی قطعی رسیده باشد ولی حد جلد او هنوز در مرحله‌ی رسیدگی مجدد قرار داشته باشد، به همین لحاظ باید اجرای رجم را تا زمان مشخص شدن وضعیت حکم جلد، به تعویق انداخت.

**بند سوم: جنون و مستی**

جنون علی الاصول، مانع اجرا و مسقط کیفر نمی‌باشد. جنون در حین ارتکاب جرم، باعث معافیت از تعقیب کیفری است. همچنین اگر در حین ارتکاب جرم عاقل بوده، ولی در مرحله‌ی رسیدگی و قبل از صدور حکم، جنون حادث شود، رسیدگی تا زمان افقا، به تعویق می‌افتد (نجفی، ۱۳۶۵: ۱۷۰).

اما اگر پس از صدور حکم و لازم الاجرا شدن آن، فرد دچار جنون شود، در اجرای حکم این تردید ایجاد می‌شود که اگر بازدارندگی و عبرت‌گیری را هدف مجازات بدانیم، یعنی بازداشتمن مرتكب از تکرار جرم و بازداشتمن دیگران از ارتکاب جرم از طریق عبرت آموزی منظور کیفر باشد، در این صورت، دیگران که شاهد اعمال کیفر نسبت به دیوانه‌ای هستند، نه تنها ترس و عبرتی واقع نمی‌شود، بلکه ممکن است حس ترحم و نوعدوسی آنان نسبت به مجنون بیشتر برانگیخته شود و شاید بهتر باشد که اجرای حد تا زمان افقاًی او به تأخیر بیفتد.

امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله، جنون را نه تنها موجب سقوط نمی‌داند، بلکه جنون ادواری را هم موجب تأخیر اجرای رجم نمی‌داند.

ذکر این نکته نیز ضروری است که در واقع در خصوص رجم موضوع اصلاح محکوم و جلوگیری از تکرار جرم توسط او غالباً متنفی است، چون معمولاً با اجرای رجم، فرد دیگر زنده نخواهد ماند تا اصلاح وی مطرح باشد. مگر اینکه زنای محسنه با اقرار فرد به اثبات برسد و او موقّع به فرار از گودال شود، که در این صورت میتوان اصلاح او را هم مد نظر قرار داد. لذا با توجه به دلایل ذکر شده، تأخیر در اجرای حکم تا زمان افقاًی او شایسته تر به نظر می‌رسد. مگر اینکه اصلاً امیدی به بهبودی او نباشد. علت این نتیجه گیری نیز آن است که فرد مجنون توان تصمیم گیری برای فرار از گودال را ندارد و ممکن است تضییع حقی صورت گیرد و این بر خلاف شریعت اسلام است (خمینی، ۱۳۶۹: ۸۰).

## نتیجه گیری

در خصوص ادله و مستندات حکم رجم باید گفت که سنت روایی و عملی معصومین علیهم السلام و اجماع قطعی و مسلم فقها اعم از شیعه و سنتی از ادله رجم در فقه امامیه می باشد و رجم مستند قرآنی ندارد چرا که در قرآن، مستقیماً چیزی درباره رجم نیامده است و از طرفی هم، قرآن دلیل منحصر به فرد در فقه اسلامی نیست و ما بسیاری از قانونگذاری های مربوط به جرائم را از سنت اخذ کرده ایم همچنان که خداوند در سوره حشر، آیه ۷ می فرماید: «هر آن چه رسول به شما داده بپذیرید و هو آن چه از آن نهی کرده اجتناب کنید.» که خود این آیه دلالت دارد بر این که لزوم تبعیت از فعل و گفتمان پیامبر (ص) در همه احکام و فرامین در حکم تبعیت از کلام خداوند است.

در خصوص احکام حکومتی باید گفت احکام حکومتی شعبه ای از احکام شرعی محسوب می گردد ولی قبل از هر چیز باید گفت حکومت اسلامی دو وظیفه ای اصلی را بر عهده دارد؛ یکی اجرای عدالت و احیاء و گسترش آن و ایجاد محیط سالم برای بندگی خداوند و دیگری تربیت صحیح افراد و ایجاد رابطه میان انسان و بندگی خداوند و تقریب به او و معیار اصلی برای تشخیص عدالت واقعی، بنابر تصحیح نصوص شرعی، اجرای دقیق مقررات و قوانین اسلام است و حکومت اسلامی باید در درجه اول زمینه های ارتکاب جرم را از بین ببرد مثلاً زنانی که اعمال منافی عفت را انجام می دهند باید بسترها لازم را برای ازدواج آنها فراهم کند. و اگر زمینه های ارتکاب جرم در جامعه فراوان باشد و برای رفع آن از سوی حکومت اسلامی اقداماتی صورت نگیرد اجرای حد نه تنها مصلحتی ندارد، بلکه شاید از موارد شباهه هم باشد. از سوی دیگر زمان و مکان در اجرای حدود نقش تعیین کننده ای دارد فلذا در صورت تراحم مصلحت اجرای حد با مصلحت اهم، ممکن است حد موقتاً تعطیل شود یا به کیفیت دیگری اجرا شود یا اصلاً اجرا نشود. اما تشخیص مصلحت اهم بر عهده هی فقیهان و اسلام شناسان آگاه به زمان باید باشد تا از یک سو روح مقررات دین را بشناسند و از جانب دیگر به مقتضیات زمان آگاهی داشته باشند و در تشخیص مصلحت اهم، باید تحت تاثیر فشار ها و تلیغات دشمنان اسلام قرار گیرند چرا که پیامبر (ص) فرموده اند: «و لا تختلفوا فی الله لومة لائئم».

- بر اساس برخی روایات وارد و نظر جمعی از فقهاء و مراجع عظام که در متن به برخی از آنها اشاره شد، هر چند حد زنانی محسنه در اسلام سنگسار است، ولی اجرای آن در عصر معموم موضوعیت دارد و مجاز دانسته شده است. بر اساس این نگرش در عصر غیبت، مجرمین را به جای سنگسار به نحوی دیگر نیز می شود تأديب و تنبیه نمود. ضمن این که احکام ثانویه این قدرت را در فقه ایجاد کرده که بتوان از ابزارهای مختلف، متناسب با مصالح استفاده کرد.

- مطابق بند ۲ ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران بدون حق شروط به آن پیوسته است، صدور حکم اعدام منحصرآ برای جرایم خیلی سنگین و شدید مجاز است. بر اساس ماده ۷ همین میثاق و ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، آزار و شکنجه و مجازات و رفتارهای خلاف شئون انسانی ممنوع است. (مهرپور، نظام بین المللی حقوق بشر، ۵۹-۶۰) بر این اساس، تعهدات بین المللی ایران حکم می کند کشورمان در صدد توقف مجازات سنگسار با توجه به توضیحات پیش گفته برآید.

- وبالآخره با توجه به شرایط خاص بین المللی و مشکلات فزاینده کشور، به نظر می رسد هر چه از میزان حساسیت های بین المللی کاسته شود، مجال رشد و توسعه کشور بیشتر فراهم خواهد گردید اجرای احکام جایگزین سنگسار یکی از موضوعاتی است که می شود با عنایت به نظرات فقهی- حقوقی جدید، موجب کاهش حساسیت ها شود.

**منابع و مراجع**

۱. آقایی جنت مکان، حسین، ۱۳۹۲، حقوق کیفری عمومی (کیفر شناسی نو)، جلد سوم، انتشارات جنگل، چاپ دوم، تهران.
۲. اردبیلی، محمد علی، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی(جلد نخست) نشر میزان، چاپ سی و سوم.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۶. ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.
۴. خمینی(ره)، سید روح الله، ۱۳۶۹. صحیفه نور. جلد ۲۰ و ۲۱ و ۲۲. انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۵. حرعاملی، محمد بن حسن. ۱۳۹۱ وسائل الشیعه. چاپ چهارم. مجلدات ۳ و ۵ و بیروت: دارالاحیاء التراث العربي.
۶. حـی، حسن بن یوسف. ۱۴۱۹ق. قواعد الاحکام، جلد ۳، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
۷. جبعی العاملی، زین الدین بن علی،(شهیدثانی)، ۱۳۸۷، شرح لمعة دمشقیه(الروضه البهیه)، جلد ۱۳ ترجمه علی شیروانی. قم.
۸. زراعت، عباس، ۱۳۹۳، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جلد اول، چاپ شمشاد ، چاپ سوم، تهران.
۹. سبزواری، سید محمد باقر، ۱۳۶۲، ترجمه و تصحیح النهایه فی مجردالفقہ والفتاوی، جلد ۲ تهران.
۱۰. سرخسی، شمس الدین، ۱۴۰۶ق. المبسوط، جلد ۹، دارالعرفه، بیروت.
۱۱. شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۷۲، حقوق جزای عمومی، جلد ۱ و ۲، تهران.
۱۲. شمس، عبدالله، ۱۳۸۸، ادله اثبات دعوی، تهران.
۱۳. عالیخانی، محمد. ۱۳۷۴. حقوق اساسی. چاپ اول. انتشارات دستان.
۱۴. گلدوزیان، ایرج. ۱۳۸۴. ادله اثبات دعوا. چاپ دوم. انتشارات میزان.
۱۵. محمدی گیلانی، محمد. ۱۳۶۱. حقوق کیفری در اسلام. چاپ اول. انتشارات المهدی.
۱۶. مصری، سید سابق. ۱۴۱۵هـ. فقه السنہ. جلد دوم. بیروت: انتشارات دارالفکر.
۱۷. میرخانی، احمد. ۱۳۷۰. آیات الأحكام فارسی. انتشارات مؤسسه خیریه مکتب ولی عصر.
۱۸. نجفی، محمدحسن. ۱۳۶۵. جواهرالکلام فی شرایع الاسلام. جلد چهارم. تهران: انتشارات دارالكتاب السلامیه.
۱۹. ولیدی ، محمد . ۱۳۷۱. حقوق جزا (مسئلیت کیفری). چاپ دوم. موسسه انتشارات امیر کبیر.
۲۰. هندی، فاضل، ۱۴۲۴ق، کشف اللثام عن قواعدالاحکام، جلد ۱۰ ، موسسه نشر اسلامی.